



سبک‌های زندگی و خرده‌فرهنگ‌ها
«پیشینه و چشم‌انداز نوین»

لوئیجی برزانو و کارلو جنوا

مترجم: امیر قربانی



مقدمه مترجم / ۱۳

پیش‌درآمد / ۵۹

بخش اول / سنت مطالعه سبک‌های زندگی / ۶۵

فصل اول / سبک‌های زندگی و جایگاه اجتماعی / ۷۱

۱،۱ چشم‌وهم‌چشمی / ۷۲

۲،۱ طبقات اجتماعی و گروه‌های منزلتی / ۷۷

۳،۱ فردی شدن، همسان‌سازی و تمایزگذاری / ۸۴

۴،۱ میدان، عادت‌واره و کردارهای اجتماعی / ۹۳

۵،۱ نکات مهم / ۱۰۷

فصل دوم / سبک‌های زندگی و تفکر / ۱۱۳

۱,۲ شخصیت / ۱۱۴

۲,۲ ارزش‌ها / ۱۱۸

۳,۲ نگرش‌ها، علائق و باورها / ۱۲۳

۴,۲ خطوط کلی و گرایش‌ها / ۱۳۲

۵,۲ نکات مهم / ۱۴۷

فصل سوم / سبک‌های زندگی و کنش / ۱۵۲

۱,۳ مصرف / ۱۵۸

۲,۳ زندگی روزمره / ۱۷۱

۳,۳ کنش‌ها / ۱۸۷

۴,۳ نکات مهم / ۱۹۴

فصل چهارم / فراسوی سبک‌های زندگی / ۲۰۳

۱٫۴ ژانر زندگی / ۲۰۴

۲٫۴ شیوه زندگی / ۲۰۸

۳٫۴ نکات مهم / ۲۱۱

بخش دوم / سنت مطالعه خرده فرهنگ‌ها / ۲۱۵

فصل پنجم / خرده فرهنگ‌ها و کجروی / ۲۲۱

۱٫۵ نابسامانی و انحراف / ۲۲۲

۲٫۵ گستره‌های طبیعی / ۲۲۶

۳٫۵ ریشه‌های دگربودگی / ۲۳۲

۴٫۵ مسائل ناظر به تعریف / ۲۴۰

۵٫۵ سبک و چشم‌اندازها / ۲۴۵

۶٫۵ نکات مهم / ۲۵۱

فصل ششم / خرده‌فرهنگ‌ها و مقاومت / ۲۵۷

۱,۶ فرهنگ، فرهنگ‌های طبقاتی، خرده‌فرهنگ‌ها / ۲۵۸

۲,۶ تفسیر / ۲۶۲

۳,۶ سبک / ۲۷۳

۴,۶ فرهنگ حاکم / ۲۸۵

۵,۶ نکات مهم / ۲۸۹

فصل هفتم / خرده‌فرهنگ‌ها و تمایز / ۲۹۵

۱,۷ فراسوی جدایی‌طلبی و مقاومت / ۲۹۶

۲,۷ تعاریف جدید / ۲۹۷

۳,۷ جهان خارج / ۳۰۸

۴,۷ انواع مشارکت / ۳۱۷

۵,۷ سبک نوین / ۳۲۲

۳۳۱ / معنا ۶,۷

۳۳۴ / نکات مهم ۷,۷

فصل هشتم / فراسوی خرده فرهنگ‌ها / ۳۴۱

۳۴۳ / جزء فرهنگ ۱,۸

۳۴۶ / قبیله ۲,۸

۳۵۱ / صحنه ۳,۸

۳۵۸ / سایر دیدگاه‌ها و پیشنهادها / ۴,۸

۳۶۱ / نکات مهم ۵,۸

بخش سوم / گامی به سوی جامعه‌شناسی نوین سبک‌های زندگی / ۳۶۵

فصل نهم / مفهوم جدید سبک زندگی / ۳۶۹

۱,۹ قالب اجتماعی / ۳۷۰

۲,۹ کردارها / ۳۷۰

۳,۹ فهم تبیینی و درک مشاهده‌ای / ۳۷۲

۴,۹ مدل / ۳۷۳

۵,۹ تمایز / ۳۷۴

۶,۹ جماعت / ۳۷۶

۷,۹ مؤلفه‌های سازنده / ۳۷۸

فصل دهم / مدل تحلیلی و روش‌شناسی / ۳۸۵

۱,۱۰ صورت‌بندی / ۳۸۶

۲/۱۰ پیدایش، بازآفرینی و اشاعه ۳۹۰

۳/۱۰ تفسیر ۳۹۳

۴/۱۰ عناصر شناختی، ارزش شناختی و اجتماعی، ساختاری ۳۹۸

۵/۱۰ انحاء مشارکت و شدت و حدت آن ۴۰۴

۶/۱۰ روابط بیرونی ۴۰۹

۷/۱۰ مسیر پژوهش ۴۱۵

نمایه اعلام / ۴۱۸

نمایه اصطلاحات / ۴۲۴

پیش درآمد

سبک‌های زندگی و خرده‌فرهنگ‌ها به‌منزله ابزاری هستند که افراد با بهره‌گیری از آنها می‌توانند خود و دیگران را مخاطب قرار دهند و بپرسند که «تلقی آنها از خویشتن خود چیست؛ به نظر خودشان، شبیه چه کسانی هستند و از چه افرادی متمایزند». به‌علاوه، افراد از این ابزار به‌عنوان روشی برای نگریستن به زندگی خود استفاده می‌کنند و در تلاش‌اند تا نقش‌های متفاوت، کردارهای مختلف و قلمروهای مشارکت خویش را در کنار هم منسجم سازند. از طریق سبک‌ها و خرده‌فرهنگ‌هاست که به‌عنوان یک ناظر می‌توانیم جامعه را تحلیل کنیم و جایگاه خود را در آن تشخیص دهیم. در این تکاپو به دنبال یافتن شباهت‌ها و تفاوت‌ها میان افراد و گروه‌ها هستیم و از این رهگذر به فهم باورها و کنش‌های آنها نائل می‌شویم.

مباحث فوق نقطه عزیمت اصلی این کتاب هستند و سرآغاز آنها نقطه تلاقی بین دو جریان فکری مختلف است؛ «مشاهدات تجربی» منشأ نخستین

جریان فکری به شمار می‌روند: امروزه در کانون چشم‌انداز رو به گسترشی از پدیده‌ها و فرایندهای اجتماعی، مجموعه‌هایی به چشم می‌خورند که وجه اشتراک آنها کردارهای معنادار و حلقه وصل آنها معنایی واحد است. به علاوه در این کانون، افرادی وجود دارند که این کردارها را ابزاری برای همسان‌سازی متقابل، تمایز و تشخص قلمداد می‌کنند. اما خاستگاه دومین جریان فکری، «ملاحظات نظری» هستند: این فرایندها و پدیده‌های اجتماعی مورد بحث در مقایسه با پدیده‌ها و فرایندهایی که در گذشته جزء سبک‌های زندگی یا خرده فرهنگ‌ها شمرده می‌شدند، از ویژگی‌هایی بینایی برخوردارند و بدین ترتیب آنها را می‌توان با چارچوب‌هایی تحلیلی (که حاصل تلاقی این دو چشم‌انداز هستند) به نحوی کارآمد تبیین و تفسیر کرد.

با بررسی گام‌های نخست در مطالعات سبک‌های زندگی و مطالعات خرده فرهنگی می‌توان به آسانی پی برد که در بنیاد آنها مسئله‌ای مشترک به نام تمایز اجتماعی فرهنگی وجود دارد. از هر دو سو، با عبور از پدیده‌های متنوع و فرایندهای تجربی، آغاز اندیشه‌ورزی تلاش برای فهم این نکته بود که چرا گروه‌های متنوع کنشگران با ویژگی‌های گوناگون اجتماعی، سبک‌های فرهنگی مختلفی را، هم در سطح اندیشه و هم در سطح کنش به نمایش می‌گذارند. به علاوه، در این دو حوزه شاهد رویکردی پیچیده به تحلیل پدیده‌های اجتماعی فرهنگی هستیم. در هر دو حوزه، سطوح مختلف (ارزش‌ها، باورها، نگرش‌ها، رفتار و ...) و حوزه‌های متعدد (اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و ...) بررسی می‌شوند و همین امر عنصر تمایزبخش آنها از تحلیل‌هایی است که معمولاً در سایر چشم‌اندازهای پژوهشی صورت می‌گیرد. در واقع آن چشم‌اندازها یا به صورت رویکردی تک حوزه‌ای در قالب تحلیلی چندسطحی هستند یا تحلیلی یک سطحی با رویکردی چند حوزه‌ای ارائه می‌دهند.

اما به رغم ریشه‌های مشترک و وجود مشابهت‌ها در رویکرد این دو حوزه، مطالعات ناظر به سبک‌های زندگی و مطالعات خرده فرهنگی (که پیدایش هر دو در دهه‌های آغازین قرن بیستم میلادی است) به طور عینی مسیرهای

کاملاً متمایزی را در پیش گرفتند. در واقع، مطالعات سبک‌های زندگی در بررسی تمایز اجتماعی-فرهنگی، عمدتاً با بهره‌گیری از چشم‌اندازهای فراگیر در تلاش هستند تا دریابند که کدام یک از عوامل به بهترین شکل ممکن تقسیم‌بندی‌هایی سنخ‌شناسانه از جمعیت موردنظر عرضه می‌کنند و تمایز درونی آن را نشان می‌دهند؛ حال آنکه مطالعات خرده‌فرهنگی با استفاده از چشم‌اندازهایی محدود می‌کوشند تا افزون بر تشریح ویژگی‌های زندگی اکثریت، به تبیین و تفسیر زندگانی اقلیت نیز بپردازند.

امروزه با حجم عظیمی از ادبیات پژوهشی ناظر به خرده‌فرهنگ‌ها و سبک‌های زندگی مواجهیم؛ اما معدودی از این مطالعات توجه خود را به وضوح بر مدل‌های تحلیلی معطوف داشته و به‌ندرت، فرض تلاقی احتمالی این دو چشم‌انداز را لحاظ کرده‌اند. بنابراین، هدف این کتاب از یک سو بازسازی رویکردهای عمده تحلیلی به سبک‌های زندگی و خرده‌فرهنگ‌هایی است که تاکنون شکل گرفته‌اند و از سوی دیگر، پیشنهاد مفهومی جدید از سبک زندگی و رویکردی نوین به این مفهوم است که حاصل گنجاندن مطالعات خرده‌فرهنگی در مطالعات معطوف به سبک‌های زندگی است.

به بیان دقیق‌تر این اثر در سه بخش ساماندهی شده است:

بخش نخست سیر تکاملی روش‌های مطالعات سبک زندگی را بازسازی می‌کند. پیش از هر چیز رویکردهایی بررسی می‌شوند که سبک‌های زندگی را جلوه‌ای از جایگاه اجتماعی می‌دانند. به‌ویژه به رویکردهایی پرداخته می‌شود که سبک زندگی را نمودی از کنش و باوری می‌دانند که برگرفته از تکاپوی افراد در چشم‌وهم‌چشمی با طبقه اجتماعی فرادست‌تر و فاصله‌گیری از طبقات اجتماعی فرودست‌تر است. در نتیجه، به تجزیه و تحلیل اظهاراتی پرداخته می‌شود که سبک‌های زندگی را تصویری از باور افراد، متشکل از ویژگی‌های شخصیتی، ارزش‌ها یا «نگرش‌ها، علائق، باورها» قلمداد می‌کنند. در گام بعد به چشم‌اندازهایی تفسیری توجه خواهد شد که کنش‌ها را مؤلفه‌های محوری سبک‌های زندگی برمی‌شمرند و تمرکز آنها (برحسب مورد) بر مصرف، زندگی

روزمره یا تلقی جامع‌تری از کنش‌های افراد است. واپسین فصل از این بخش به واکاوی برخی از مفاهیم و چشم‌اندازهای تحلیلی اختصاص خواهد یافت که در ادبیات پژوهشی این حوزه به مثابه جایگزین‌های احتمالی مفهوم سبک زندگی تحلیل می‌شود.

در بخش دوم، سیر تکاملی رویکردها به مطالعه خرده فرهنگ‌ها بررسی خواهد شد. این تحلیل با بررسی تفسیرهایی آغاز می‌شود که خرده فرهنگ‌ها را نوعی انحراف و کجروی و حاصل نقض هنجارهای اجتماعی و قانونی جامعه می‌دانند. سرانجام در این کتاب به بازسازی طرح‌هایی می‌پردازیم که خرده فرهنگ‌ها را شکل‌هایی طبقاتی از ایستادگی در قبال مدل‌های حاکم فرهنگی تلقی می‌کنند. این تقابل شکلی از تعارض است که در سطح نمادین و عمدتاً در سطح هنری (زیبایی‌شناختی) به واسطه انتخاب سبک‌های براندازانه یا خرابکارانه و عمدتاً در سطح زیبایی‌شناختی پدید می‌آیند. بنابراین، تحلیل طرح‌هایی که خرده فرهنگ‌ها را شکل‌هایی از تمایز، تفاوت‌گذاری و به منزله شیوه‌های بازسازی و تأیید هویت‌های انتخابی می‌دانند، چه بسا متأثر از جایگاه اجتماعی افراد باشد؛ گرچه مسلماً به واسطه آنها تشریح و تبیین نمی‌شود. قسمت پایانی به بحث درباره جایگزین‌های مفهومی خرده فرهنگ‌ها اختصاص یافته است.

بخش سوم که واپسین بخش این کتاب است به معرفی مفهومی جدید از سبک زندگی و رویکرد تحلیلی نوین به سبک‌های زندگی اختصاص دارد. در اینجا سبک زندگی چنین تعریف می‌شود: سبک زندگی «مجموعه‌ای از کردارها با مفهومی یکپارچه و معنایی ارتباطی است؛ این قالب اجتماعی همان مدل مشخص و مشترک در یک جماعت است، بی‌آنکه دارای نظام شناختی، ارزش‌شناختی پیشین یا وضعیت اجتماعی، ساختاری از پیش تعیین شده به عنوان مؤلفه‌های سازنده باشد؛ البته نباید احتمال تأثیرپذیری از این نظام‌ها و اوضاع را منتفی دانست». دو فصل از این بخش با دقت تمام هر عنصر از این تعریف را مطرح می‌کنند و به بحث می‌گذارند و آنگاه مسیری پژوهشی را برای تحلیل پدیده‌های اجتماعی، فرهنگی به واسطه این چشم‌انداز

توصیف می‌کنند.

باید توجه داشت که هدف از بازسازی مطرح در بخش‌های اول و دوم نه تنها ساماندهی به مباحث، بلکه به‌طور مشخص جستجوی مؤلفه‌هایی سودمند برای تعریف مدل تحلیلی سبک‌های زندگی است که در بخش سوم مطرح می‌شود و در این معنا، از شکلی تاریخی و روش‌شناختی برخوردار است: تاریخی بودن آن با لحاظ معانی متنوعی است که پژوهشگران طی زمان برای مفاهیم سبک زندگی و خرده‌فرهنگ استعمال کرده و نیز چشم‌اندازهایی است که آنها این مفاهیم را از آن دریچه بررسی کرده‌اند. اما جنبه روش‌شناختی آن به دلیل بررسی جداگانه رویکردهایی است که به‌مثابه فراگیرترین رویکردها محسوب می‌شوند و این کاربردها برحسب آنها صورت گرفته است.

بدین ترتیب، این بازسازی مبتنی بر عمل مشخص‌گزینش و ترکیب (همراه با آثار متعاقب مانعیت و جامعیت) است؛ این عمل بر اساس معیارهایی صورت می‌گیرد که به نحوی تنگاتنگ با این طرح تحلیلی مرتبط هستند. چنانچه پیش‌تر گفته شد، در کانون این طرح، ایده پیدایش و اشاعه اشکال نوین اجتماعی یا همان شکل‌های جدیدی از مناسبات هماهنگ اجتماعی یا به تعبیری، حالت «همبودی» و «وابستگی به همدیگر» وجود دارد؛ ریشه آن در اشتراک‌کردارهاست و افراد آنها را معنادار، درهم‌تنیده و متمایز تلقی می‌کنند، البته نه به‌عنوان جلوه‌های مستقیمی از بازنمایی‌ها و ارزش‌های مشترک یا جایگاه‌های خاص اجتماعی و مدل‌های فرهنگی و سرمایه‌های اختصاصی خود.

بنابراین، هدف این اثر پژوهشی تأمین ابزاری جدید برای مشاهده و تفسیر واقعیت و برشمردن محدودیت‌های (و درعین حال، تحلیل) پدیده‌ها و آنگاه گشودن دریچه و نگرشی جدید برای فهم واقعیت همواره در حال تغییر است.